

درس های سعادت آباد

سه شنبه بیست سوم مهر ۱۳۸۷

کاظم فرج الهی

پیرامون حادثه ی سعادت آباد چند پرسش در ذهن انسان سنگینی می کند.

آیا این ساختمان باید الزاماً تخریب میشد؟ اگر جواب مثبت است، مسئولیت اجرای صحیح امر تخریب این گونه ساختمان ها با چه کسی است؟

چرا باید بیشترین شمار قربانیان حوادث ساختمان کارگران باشند؟ چرا شمار قربانیان حوادث ساختمانی طبق گفته ی رییس سازمان کار استان تهران از مجموع ۷۵۰ مورد حادثه رخ داده در بخش کارگران ساختمانی، طی سال گذشته فقط در شهر تهران حدود ۲۴۰ نفر است؟ چرا باید اکثر کارگران ساختمانی همواره خرابه نشین باشند؟

از اولین روز تخریب يك بنای كلنگی این گروه از کارگران در نامساعدترین مکان و چیزی شبیه آلونک و بیغوله، با کمترین یا بهتر است بگوییم فقدان امکانات بهداشتی و رفاهی، در ساختمان ها ی در حال تخریب یا نیمه تمام، زندگی میکنند و در اولین روزهایی که ساختمان، نو، تمیز و از خاک و خاکروبه تهی می شود اینان باید به دنبال کار و لقمه نانی جدید مهاجرت کرده و به بناهای كلنگی و بیغوله های دیگر نقل مکان کنند. آفرینندگان ساختمانهای مدرن، نوزیبا خود همواره خرابه نشین هستند. حتا در سرزمین وزادگاه خود، همانطور که من در سراسر منطقه ی کوه دشت و از جمله روستای «چنار علیا» دیدم...

چه کسی مسئولیت نظارت بر امر تخریب و ایمنی آن را به عهده دارد؟ شهرداری؟! شهرداری مجری تخریب است یا ناظر آن؟ آیا بر ساخت و ساز و تخریب بناها نظارت درستی انجام می شود؟ روند چنین کارهایی تاکنون چگونه بوده است؟ آیا هرگونه تخلف در امر ساخت و ساز نهایتاً با پول و جریمه ی پرداختی به این نهاد ناظر قابل خریداری نیست؟ روند تاکنونی چگونه بوده است؟ به قول آن مجری برنامه تلویزیونی که برای تفهیم منظور خود اندکی اغراق می کرد، آیا با پرداخت پول و جریمه (حال به صورت رسمی یا غیر رسمی) نمی توان مجسمه فردوسی را از میدان فردوسی برداشت و به جای آن بنا و ساختمان ایجاد کرد؟

چه ساز و کار دیگری می توان برای نظارت بر امر ایمنی و سلامت ساخت و ساز ساختمان ها اندیشید؟

کارگران ساختمانی - اعم از کارگر ساده، کارگر متخصص (استادکار و بنا) و تکنسین- تنها گروهی هستند که همواره و در کلیه مراحل عملیات ساختمانی از شروع تا پایان کار در کارگاه حضور دارند. آیا نمی توان از این حضور همیشگی و ذی نفع، به طور سازمان یافته در امر نظارت استفاده کرد؟

کمی دقت در اسامی و اطلاعات مربوط به کشته شدگان این حادثه نشان می دهد در يك گروه کارگران ساده ی ساختمانی که به صورت اتفاقی انتخاب شده و اتفاقاً (!؟) همگی کشته شده اند، کمتر از ۲۰ درصدشان در سطح ابتدایی سواد دارند. بقیه افراد نیز تحصیلات حداقل پایان دوره راهنمایی یا دبیرستان و معدودی دانشگاهی دارند.

این آمار حکایت از واقعیتی دیگر دارد. واقعیت این است که این گروه از کارگران، یعنی کارگران ساختمانی، علی رغم اشتغالشان به يك کار بدنی ساده (و ظاهراً کم اهمیت) انسان هایی هوشمند و توانا هستند که اگر در جایگاه خویش سازماندهی

شده و اندکی آموزش ببینند می‌توان از قابلیت‌های بیشتری که در آنها وجود دارد بهره‌مند شد. می‌توانیم به جای اینکه الف: آن‌ها را تحقیر کنیم و مجبورشان کنیم به‌عنوان یک کارگر صرفاً ی‌دی در شرایط عادی یا با تن دادن به انواع فشارهای جسمانی و روانی در سن میان‌سالی فرتوط و از کار افتاده شوند و یا اینکه به قول عوام با زرنگ بازی کمتر کار کنند و بیشتر بخواهند.

ب) در شرایط غیرعادی - که با ادامه روند کنونی کم‌کم عادی می‌شود- از آن‌ها به دلیل فقر مادی، فرهنگی، بیکاری و بی‌عدالتی و...، مجرم و بزهدار بسازیم، اجازه دهیم در جایگاه واقعی خویش قرار گیرند. توان‌مندیشان را باور کنیم و بگذاریم در سازمان‌های صنفی و اجتماعی خود متشکل و سازمان‌یابند، آنگاه خواهیم دید که نه فقط به حمایت، قیمومیت یا کنترل نیاز نخواهند داشت که می‌توان از توان و انرژی آنان در شادابی، بهبودی و سعادت جامعه بهره‌مند شد.

اتحادیه‌های کارگری در صورت سالم بودن هدایت و رهبری آن‌ها، ظرفیت کافی برای تامین و دفاع از منافع اعضای خود و کمک به بهبود شرایط جامعه را دارند. این نهادها در راستای دفاع از منافع صنفی خود در چارچوب کمیسیون‌های تخصصی مختلف فعالیت می‌کنند. از جمله کمیسیون آموزش و ارزشیابی مهارت‌های فنی که در این کمیسیون هر کارگر در رشته و رشته خود آموزش لازم را فرا می‌گیرد. تخصص او رده‌بندی شده و گواهی مهارت فنی دریافت می‌کند. اتحادیه‌های کارگری در راستای دفاع از منافع صنفی و حیثیت شغلی اعضای خود دارای کمیسیون انضباطی هستند. این کمیسیون با حضور و کمک متخصصین هر رشته به شکایت شهروندانی که از کار و بازده کارگران شکایت دارند رسیدگی کرده و کارگران خاطی را که با ارایه‌ی کار نامناسب موجب خسران شهروندان شده‌اند به شیوه‌های مناسب مجازات و خسارات وارده را جبران می‌کنند.

کمیسیون حقوقی سندیکاها هنگام بستن قراردادهای کار و پیمان‌های فردی و دسته‌جمعی با ارایه‌ی مشاوره‌های حقوقی مناسب، کارگران را در انعقاد یک قرارداد کار خوب و مناسب که تامین‌کننده تمامی حقوق و منافع آن‌ها باشد، یاری می‌نماید و هنگام مواجهه با مشکلات حقوقی در رابطه با مطالبات فی‌مابین کارگر و کارفرما به همین روش و با استفاده از ابزارهای مناسب و در صورت لزوم استخدام وکیل متخصص در حقوق روابط کار، حقوق و منافع اعضای خود و شهروندان را استیفا می‌کنند. کمیسیون «حفاظت و ایمنی کار» سندیکاها و اتحادیه‌ها، اعضای خود را با موازین بهداشتی و ایمنی مورد نیاز هر رشته آشنا و آموزش لازم را ارائه می‌کنند. این کمیسیون با آموزش صحیح خود، بسیاری از تلفات و خسارات حوادث ناشی از کار را بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهند. یکی از شعارهای همیشگی سندیکا و اتحادیه‌ها «اول ایمنی، بعد کار» است. کارکرد صحیح و توانمند کمیسیون‌های «آموزش و ارزشیابی مهارت‌های فنی» و «حفاظت و ایمنی کار» با توجه به حضور همیشگی و دائمی کارگران ساختمان در کارگاه‌ها، امکان کنترل و نظارت مستمر را بر رعایت موازین ایمنی و بهداشتی را (هم برای کارگران و هم برای سایر شهروندان) فراهم می‌آورد و به این ترتیب می‌تواند از بروز بسیاری از حوادث ناشی از کار و همچنین تخلف‌های ساختمانی آسیب‌رسان توسط پیمانکار پیشگیری کند. سرانجام اینکه در صورت وقوع حوادث منجر به جراحت شدید، از کار افتادگی و یا فوت هر یک از اعضای سندیکا، سندیکا همچون وکیلی همیشگی و صادق، پیگیرانه از همه امکانات و ابزارهای حقوقی و اداری خود جهت کسب حقوق مادی و معنوی کارگر آسیب دیده یا بازماندگان متوفی استفاده می‌کند.

<http://saayeh.mihanblog.com/post/۳۳۹>

کاظم فرج‌اللهی - ۱۹ مهر ۱۳۸۷